



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

دوره دوم  
**۴۳**

سه شنبه، ۳۰ تیر ۱۳۸۳

۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

# انترناسیونال

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اطلاعیه برگزاری مراسم دومین سالگرد درگذشت

منصور حکمت

صفحه ۲

در حاشیه رویدادها

شهلا دانشفر

صفحه ۴

\* اعتراض معلمان

\* اعتراض پرستاران

\* بی مدرسه شدن ۱۸۰۰۰ دانش آموز



## رهبران کمونیست در میان مردم

سلام زیجی

عضو مشاور کمیته مرکزی و عضو کمیته کردستان حزب

دوهفته در حومه شهرهای سقز و بانه حضور پیدا کرد و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت.

حزب در شهرها و حومه شهرهای کردستان با استقبال گرم مردم روبرو بوده است.

صفحه ۲

محمدی با واحدهای همراه در تفریحگاه بزرگ سنندج در میان مردم حضور یافت و به سخنرانی و بحث با مردم پرداخت. پروژه حضور کادریهای محبوب و شناخته شده

عبدالله دارابی و مجید حسینی از اعضای رهبری حزب چندبار در شهر مریوان و حومه حضور پیدا کردند و در گردهماییها و تجمعات مردم سخنرانی کردند. سال گذشته مظفر

پیدا کرد و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. پروژه رهبران کمونیست در میان مردم اینبار در حومه شهرهای سقز و بانه اجرا شد. در پنج سال گذشته

سلام زیجی عضو مشاور کمیته مرکزی و عضو کمیته کردستان حزب به همراه واحدهای همراه و تحت حفاظت حزب به مدت دوهفته در حومه شهرهای سقز و بانه حضور



## کدام نظام متضمن "آزادی و برابری" است؟

علی جوادی

و آزادی فرهنگی و اجتماعی و آزادی اقتصادی. آزادی یعنی رهایی انسان از شرایط اقتصادی و سیاسی ریشه و مسبب تمام محرومیت‌های سیاسی و حقوقی و تبعیض اقتصادی و مدنی در جامعه است. یعنی خلاصی از استثمار و بردگی مزدی و رهایی از فقر و فلاکت و ستم طبقاتی. به همین اعتبار،

صفحه ۳

خود را متحقق سازند. مردم آزادی میخواهند. مردم برابری میخواهند. مردم آزادی و برابری را در اعتراضات فریاد میزنند و پرچم آن را برافراشته اند. اما "آزادی و برابری" مفهومی صرفاً حقوقی نیست. علاوه بر آن، مفهومی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. مطالبه‌ای است که حوزه سیاست و اقتصاد و مناسبات اجتماعی را در می نوردد و برش میدهد. آزادی یعنی آزادی سیاسی

اکنون مطالبه "آزادی و برابری" به خواست محوری مردم و پرچم جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی در ایران تبدیل شده است. "آزادی و برابری" دیگر فقط یک آرمان دیرینه و تاریخی بشری نیست، مطالبه روز و انتخاب حال مردمی است که برای سرنگونی رژیم اسلامی پا به میدان سیاست گذاشته اند و میکوشند تا با سرنگونی این رژیم سیاه مذهبی شرایط تحقق این خواستهای پایه ای

## "دادگاه" زهرا کاظمی افتضاحی دیگر برای رژیم

سیاوش دانشور



المللی دیگر برای رژیم اسلامی تبدیل شد. بدوا باید تاکید کرد که با هیچ معیار قابل قبول دنیای امروز این يك "دادگاه" نبود. این مانند تمام موارد تاکنونی يك بیدادگاه بود. پرده دیگری بود از نمایش کراحت "عدالت اسلامی". رژیمی که قوه قضائیه و امر قضا در آن کوچکترین استقلالی از نهادها و باندهای قدرت ندارد و دادگاه و دادستان و قاضی اش خود جزو کمپ قاتلین و سرکوبگران مردمند، رژیمی که دادستان اش در تهران حتی توسط خودیهای حکومت جلا داد نام گرفته است، صلاحیت برپائی هیچ دادگاهی را ندارد. این

صفحه ۲

بعد از گذشت یکسال از قتل زهرا کاظمی و يك دوره فشار بین المللی به رژیم اسلامی پیرامون این پرونده، بالاخره نمایشی مضحک تحت عنوان "دادگاه" بررسی پرونده زهرا کاظمی برگزار شد. در دومین جلسه این "دادگاه" قاضی ناگهان پرونده را مختموم اعلام کرد و عملاً این موضوع به يك افتضاح سیاسی بین

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اطلاعیه برگزاری مراسم دومین سالروز درگذشت منصور حکمت

روز دهم ژوئیه بدعوت آذر ماجدی دوستداران منصور حکمت (ژوئیه رازانی) در گورستان های گیت لندن اجتماع کردند. احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق طی اطلاعیه هائی علاقمندان را به این مراسم دعوت کرده بودند. دو سال بعد از درگذشت منصور حکمت هنوز دلنگی در چهره ها نمایان بود. دوستداران ژوئیه با گذاشتن گل بر بنای یادبود او و کارل مارکس، ضمن ادای احترام با آرمان والا و انسانی آنها تجدید پیمان کردند. ساعاتی بعد جمعیت گروه گروه به سوی سالنی در همان منطقه رفتند. سالن مراسم با عکسهائی از منصور حکمت و جملاتی از این

روز دهم ژوئیه بدعوت آذر ماجدی دوستداران منصور حکمت (ژوئیه رازانی) در گورستان های گیت لندن اجتماع کردند. احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق طی اطلاعیه هائی علاقمندان را به این مراسم دعوت کرده بودند. دو سال بعد از درگذشت منصور حکمت هنوز دلنگی در چهره ها نمایان بود. دوستداران ژوئیه با گذاشتن گل بر بنای یادبود او و کارل مارکس، ضمن ادای احترام با آرمان والا و انسانی آنها تجدید پیمان کردند. ساعاتی بعد جمعیت گروه گروه به سوی سالنی در همان منطقه رفتند. سالن مراسم با عکسهائی از منصور حکمت و جملاتی از این

### از صفحه ۱ رهبران کمونیست در میان مردم

حضور سلام زیجی کادر شناخته شده و عضو مشاور کمیته مرکزی و عضو کمیته کردستان حزب و واحدهای حفاظت حزب در حومه شهرهای سقز و بانه گام دیگری در راستای این سیاست حزب بود و با موفقیت به اجرا درآمد. این پروژه از ۱۶ تیرماه (۶ ژوئیه) شروع شد و روز ۲۹ تیر (۱۹ ژوئیه) به اتمام رسید. سلام زیجی در جمعهای مختلف مردم حاضر شد، به بحث و تبادل نظر در مورد اوضاع سیاسی ایران، موقعیت جمهوری اسلامی و سیاستهای حزب کمونیست کارگری پرداخت و در روستای "سماقلو" از توابع سقز برای مردم سخنرانی کرد و به سوالات آنها پاسخ داد. در این گشت سیاسی نشریات و ادبیات حزب و همینطور پوستر منصور حکمت و جمعی از رهبران شناخته شده حزب در میان مردم توزیع گردید.

در اقدامی دیگر در روز ۲۵ تیرماه سلام زیجی و واحدهای همراه قصد گردهمایی و تجمع سیاسی برای مسافین مسیر سقز- بانه در روستای میره ده را داشتند که قبل از شروع کنترل جاده و بریایی گردهمایی، مزدوران رژیم اسلامی خود را به محل رساندند و قصد تیراندازی به واحدهای حزب را داشتند که با عکس العمل سریع و بموقع واحد حزب مواجه شدند. واحدهای حفاظت حزب پس از خشی

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ تیر ۱۳۸۳، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴

منصور حکمت و یک دقیقه سکوت آغاز کرد. بخش اول مراسم اختصاص داشت به گوشه هائی از سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن در سمینار مبانی کمونیسم کارگری. در بخش دوم مراسم آذر ماجدی، فاتح شیخ و فاتح بهرامی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، موید احمد عضو دفتر

### از صفحه ۱ "دادگاه" زهرا کاظمی ...

رژیم و کل ارگانهایش نامشروع است. از نظر مردم ایران کوچکترین تردیدی وجود ندارد که قاتلین زهرا کاظمی و امثال او، سران رژیم و صادر کنندگان فرامینی اند که امروز در بالاترین پستهای حکومتی نشسته اند. اینکه یک مامور دست چندم وزارت اطلاعات چه نقشی در این جنایت داشته یا نداشته است امری ثانوی است. مردم قاتلین را میشناسند و مختومه شدن پرونده نمیتواند تغییری در این واقعیت بوجود آورد.

پرونده قتل زهرا کاظمی خبرنگار متولد ایران و تبعه کانادا و افتضاح متعاقب آن چند مسئله مهم را تاکید میکند: نکته اول موقعیت بشدت ضعیف و ناتوان رژیم اسلامی در دفاع از سیاستها و اعمال و کردار خویش است. دوره ای که رژیم میگردد، میکشد، ترور میکند و راست راست راه میروند گذشته است. نفس اینکه مختصر فشار بین المللی پیرامون این پرونده جمهوری اسلامی را علیرغم تمایلش وادار به بریائی این نمایش میکند این واقعیت را نشان میدهد. مسئله به سادگی اینست که یک خبرنگار که برای انجام کاری مشروع در عرف بین المللی به ایران رفته است، دستگیر میشود، زیر شکنجه دست و پایش را شکستند، سینه اش را سوزاندند، هول هولکی جنازه اش را علیرغم اصرار خانواده و بستگانش برای برگرداندن به کانادا دفن کردند، و امروز یک مامور دست چندم را آوردند و در نمایشی چندش آور به جرم "قتل غیر عمد" محاکمه میکنند تا دست خوین مرتضوی و شاهرودی و خامنه ای و دیگران را پنهان کنند! علیرغم مماشات تاکنونی دولت کانادا با ایران، اکنون

سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق، و حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند. آذر ماجدی در باره تر توده ای کردن رادیکالیسم و کمونیسم، فاتح شیخ در باره تر اراده و پراتیک انقلابی، فاتح بهرامی در باره مکان طبقه کارگر در کمونیسم منصور حکمت، موید احمد در باره تئوری حزب و جامعه، و حمید تقوایی در

عدم امضای صورتجلسه دادگاه توسط تیم وکلای این پرونده و فراخواندن سفیر کانادا از ایران حاکی از تیرگی روابط دیپلماتیک بین دو کشور است که ممکن است مدتی ادامه یابد. ختم این پرونده میتواند جمهوری اسلامی را زیر فشار افکار عمومی و بخش دولتها قرار دهد، نباید گذاشت جمهوری اسلامی آنرا از سر بگذرانند و دولت کانادا هم دوباره با آرامش خاطر مشغول تنظیم روابط خود با جمهوری اسلامی شود. این ماجرا نشان داد که رژیم اسلامی بسادگی میتواند زیر منگنه قرار بگیرد.

نکته دوم در متن توجه به این پرونده، مشاهده ریاکاری کل عمارت "حقوق بشر" و پیروان اروپائی و آمریکائی اش است. در چند هفته گذشته فقط در تهران هشت الی ده زن کشته شدند و جنازه آنها در اطراف پارکها و حومه تهران پیدا شده است، قتلهای سریال در تهران که مشابه آن سال گذشته در مشهد اتفاق افتاد. رژیم اسلامی تلاش میکند کل این تروریسم خیابانی شهروندان را به یک ماجرای پلیسی - جنائی تقلیل دهد. در اینمورد در دنیا کسی صدایش درنیامده است! هیچ نهاد حقوق بشر و دولت طرف معامله با جمهوری اسلامی اعتراضکی نکرده است. رسانه های جهان در اینمورد سخنی نگفته اند و یک هزارم توجه این پرونده را به خود جلب نکرده است. در دو دهه گذشته بیش از صد هزار انسان عزیز به سبانه ترین روشها تیرباران و اعدام شدند. حتی تا امروز محل دفن بسیاری از این قربانیان برای بستگانشان نامعلوم است و دنیای دمکراسی و حقوق بشر در مقابل این جنایات و نسل کشی سکوت

باره سوسیالیسم بلاواسطه و انسانی منصور حکمت سخن گفتند. مراسم دومین سالروز بزرگداشت منصور حکمت با سخنان کوتاه سیاوش دانشور و سرود انترناسیونال به پایان رسید.

### زنده باد منصور حکمت زنده باد کمونیسم کارگری آذر ماجدی

۱۵ ژوئیه ۲۰۰۴

کرده است. ظاهرا "حق بشر و عدالت" دو استاندارد دارد! علیرغم این واقعیات باید از اعمال فشار دولت کانادا به رژیم ایران استقبال کرد. باید تلاش کرد که کشورهای بیشتری با اعمال فشار سیاسی و دیپلماتیک به رژیم اسلامی، سیاست انزوی بین المللی حکومت اسلامی را پیش بگیرند. باید با این رژیم مثل رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهان رفتار شود. این سیاست به نفع جنبش آزادی و برابری در ایران است. این سیاست را ما به دوستی دولتها با جمهوری اسلامی ترجیح میدهم. هرچند رویه سیاسی اخیر دولت کانادا نیز تا همین امروز زیر فشار مردم عدالتخواه در همین کشور و از جمله تلاشهای خانواده زهرا کاظمی صورت گرفته است.

همینطور این پرونده میتواند و باید درجه ای به یک واقعیت بزرگتر یعنی به قتل عامهای رژیم اسلامی باز کند و آن را زیر نورافکن بگذارد. تردیدی نباید داشت که مادام این رژیم سرکار است، پرونده زهرا کاظمی مانند فروهرها و پوینده و مختاری و دیگران، مانند پرونده بیست و پنج سال قتل زنجیره ای، که بسیاری از آنها بدون محاکمه تیرباران شدند، روشن نخواهد شد. این پرونده قطور مفتوح است. بستن و مختومه کردن این پرونده کار مردم آزادیخواه و طبقه کارگر است. کار جنبش آزادی و برابری است. کار جنبشی است که باید رژیم اسلامی را بزیر بکشد و مسببین جنایت علیه مردم را در دادگاهی عادلانه و منتخب مردم بدست عدالت بسپارد.

زهرا کاظمی تنها یکی از قربانیان بیشمار یک تاریخ مملو از جنایت است و از کل این تاریخ غیر قابل تفکیک است. \*

از صفحه ۱

## کدام نظام متضمن "آزادی و برابری" است؟

"برابری" هم مفهومی بسیار عمیق و همه جانبه تر از برابری حقوقی و برابری و یکسانی در برابر قانون است. "برابری" نیز مفهومی واقعی و مادی و اجتماعی و اقتصادی است. علاوه بر "برابری" همگان، علاوه بر برابری زن و مرد و برابری همگان در چهارچوب و پیکره قوانین حقوقی و مدنی و جامعه، به معنای برابری در بهره مندی از امکانات و مواهب و محصولات مادی و اجتماعی کار و تلاش اجتماعی همگان است. برابری در امکان برخورداری از امکانات جامعه، برابری همه جانبه و واقعی. اما کدام نظام سیاسی و اقتصادی میتواند ضامن آزادی و برابری باشد؟

### مختصات اقتصادی

در بررسی مختصات نظامی که میتواند متضمن آزادی و برابری باشد، نظامی که میتواند زمینه های تحقق و مادیت بخشیدن آن را عملی سازد، باید از مختصات اقتصادی چنین نظامی شروع کرد. چنین نظامی نمیتواند متکی بر مناسبات اقتصادی سرمایه داری و بازار و رقابت سرمایه و سود و انباشت سرمایه و در يك کلام رژیم سرمایه داری، حال از هر نوع آن، وجود مناسبات اقتصادی سرمایه داری، نظامی که قانون اساسی اقتصادش تولید سود و انباشت سرمایه و تامین ملزومات و نیازمندیهای سرمایه داری است، با آزادی و برابری مانع الجمع است. چنین نظامی نمیتواند تامین کننده شرایط اولیه و اقتصادی آزادی و برابری باشد. بر عکس مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری در پایه ای ترین سطح خود ریشه و علت اصلی فقر و فلاکت و محرومیت و تبعیض و نابرابری و اختناق و سرکوب و جهل و بیکاری و بی مسکنی و ستمگشی زن در جامعه است. منشاء و مهمتر از آن عامل بقا و تداوم این وضعیت ضد انسانی نظام اقتصادی قرن بیست و یکم و منفعت و ضروریات مناسبات اقتصادی عصر حاضر است. اگر مردم نابرابرند، اگر گرسنه اند، اگر مسکن مناسب ندارند، اگر استبداد و دیکتاتوری در بخش غالب از پهنه جهان حاکم است، اگر مردم بی

میکند، نمیتواند جامعه ای آزاد و برابر باشد، نمیتواند ظرف آزادی و برابری انسانها باشد. تا زمانی که مالکیت خصوصی و سود سرمایه تقدیس میشود، جامعه ای آزاد و برابر و مرفه نخواهیم داشت. تا زمانی که اکثریت جامعه هر روز که چشم باز میکند برای بقاء و تامین معاش خود مجبور به فروش نیروی کار و توان جسمی و فکری خود به اقلیتی صاحبه سرمایه است، تا زمانی که تولید ملزومات زندگی انسانها به سود آوری سرمایه گره خورده است، تا زمانی که اقلیتی صاحب سرمایه و وسایل تولید کنترل زندگی اقتصادی و سیاسی جامعه را در دست و انحصار خود دارند، جامعه روی خوشی و آزادی و برابری را نخواهد دید، و آحاد بشر از امنیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی برخوردار نخواهند بود. این واقعیت اقتصادی ریشه تمام نابرابریها و محرومیتهاست. در يك کلام جامعه طبقاتی نمیتواند جامعه ای آزاد و برابر باشد.

به این اعتبار تنها نظامی که رفع نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی انسانها هدف اقتصادی آن باشد میتواند متضمن آزادی و برابری انسانها باشد. چنین نظامی تنها میتواند يك نظام سوسیالیستی و چنین جامعه ای تنها میتواند يك جامعه سوسیالیستی باشد. جامعه ای متکی بر آزادی و برابری کامل انسانها. جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون فرودستی. جامعه ای که به تقسیم طبقاتی پایان میدهد. جامعه ای که در آن وسائل تولید دارایی مشترک همگان است. جامعه ای که تلاش هر روزه و مبنای تلاشش تامین نیازمندیهای اقتصادی همه شهروندان جامعه است. در چنین جامعه ای انسان برای اولین بار از شر قوانین کور اقتصادی سرمایه خلاص و آزاد میشود. قوانین اقتصادی از اسارت سرمایه و رقابت و بازار خلاص و خارج میشود. تصمیم و کنترل در اختیار انسان قرار داده میشود و نه بازار و سود و انباشت سرمایه. جامعه ای که هر کس به یکسان از مواهب زندگی و محصولات اجتماعی تولید شده، بهره مند میشود.

### ساختار سیاسی

ساختار سیاسی جامعه و حکومتی

که بخواهد حکم آزادی و برابری توده وسیع مردم را دیکته کند نمیتواند بر پارلمان و دموکراسی نیابتی و حکومت احزاب و سیستم حکومتی احزاب، یعنی "پلورالیسم"، متکی باشد. تمامی تجربیات دوران معاصر در جوامعی که مبتنی بر پارلمان و دموکراسی پارلمانی است نشان میدهد که مردم در چنین حکومتهایی از دخالت روزمره و مستمر در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود بی بهره و محرومند. در چنین حکومتهایی این مردم نیستند که بطور مداوم نظرات و امیالشان شرایط حاکم بر جامعه را روشن میکنند، بر عکس این طبقه به لحاظ اقتصادی حاکم است که سرنوشت سیاسی جامعه را نیز در کنترل و اختیار خود دارد. اصولا پارلمان شکلی از حکومت طبقه سرمایه دار در جامعه است. بخش عمده تصمیمات سیاسی جامعه که سرنوشت زندگی میلیونها نفر را تعیین میکند اساسا در پارلمان گرفته نمیشود. بر عکس الیت سیاسی و نمایندگان طبقه اقتصادی حاکم که به هیچ مرجعی هم پاسخگو نیستند عامل اتخاذ چنین تصمیماتی هستند. پارلمان و حکومت پارلمانی بر خلاف تصور باطلی که از آن توسط مبلغین فکری بورژوا ارائه داده شده است، ارگان و نهادی برای دخالت مستمر مردم در سرنوشت سیاسی شان نیست. پارلمان و دموکراسی مترادف آزادی و دخالت دائم مردم در سرنوشت سیاسی شان نیست. در این سیستم حکومتی هر چند سال یکبار با بودجه هنگفت تبلیغاتی و با وعده و وعید به سراغ مردم میروند، رای شان را میگیرند و انتخاباتی را و نمایندگان احزابی را جلوی مردم قرار میدهند و سپس به دنبال کارشان میروند. رای دهند در این چند سال یکبار نه بعنوان آدم صاحب عقیده و نظر بلکه به عنوان يك واحد در هر چند سال یکبار مطرح است. پس از رای هم دستش به جایی بند نیست. اما نفس همین انتخاب، که مسلما بر يك نظام استبدادی و مذهبی صدار ارجح تر است، تماما اسارت آور است. در این نظام سیاسی حداکثر انتخاب مردم، انتخابی بین بد و بدتر است. انتخابی "دموکراتیک" برای تامین ملزومات سیاسی تداوم طبقه استثمارگر حاکم. باید گفت که دموکراسی و حکومت پارلمانی چهارچوبی برای

شرکت توده مردم در امر دولت و قدرت سیاسی نیست. مکانیسمی برای مشروعیت بخشیدن به سلطه طبقه اقلیت سرمایه دار است. در حکومت دموکراسی از مردم رای میگیرند اما نفس همین حاکمیت طبقاتی است که خود ناقض آزادی و برابری انسانهاست. در نظام پارلمانی نمایندگان پارلمان نماینده آراء مردم نیستند. مقید به رای مردم نیستند، نظر خود و نظر حزب خود را منعکس میکنند. در نظام پارلمانی در واقع نمایندگان جانشین رای و تمایل سیاسی مردم میشوند. و این پروسه ربطی به دخالت روزمره و همیشگی مردم در سرنوشت سیاسی خود ندارد. واقعیت این است که در نظام پارلمانی تصمیمات اساسی و تعیین کننده که در محافل و کانونهای رسمی بورژوازی که خارج از کنترل پارلمان و به اصطلاح نمایندگان مردم قرار دارند، گرفته میشود. حتی نماینده مجلس بودن دلیلی بر مطلع بودن از این فعل و انفعالات تعیین کننده نیست. پارلمان در کنار رسانه های جمعی و دستگاههای تبلیغاتی حاکم در بسیاری مواقع فقط ابزار توجیه این تصمیمات است. کلا این تصویر که در نظام پارلمانی مردم "آزادانه" و "منصفانه" با "رای خود" دولت را انتخاب میکنند. تصویری قلابی و پوچ است. امروز دموکراسی و حکومت پارلمانی صاف و ساده سد دفاعی طبقات حاکم در برابر آزادیخواهی و برابری طلبی کارگر و مردم محروم است. از اینرو بمنظور تامین شرایط سیاسی دخالت مستمر مردم در زندگی سیاسی خود باید نظامی مبتنی بر شوراهای مردم در تمامی سطوح شکل داد. اعمال اراده مستقیم مردم در تمامی سطوح اداری جامعه تنها از طریق يك نظام شورایی ممکن است. شورایی که هم بمشابه قانونگذار و هم بمشابه مجری قانون عمل میکنند. سیستم شورایی تنها شکل حکومتی است که میتواند حضور دائم و مستقیم شهروندان جامعه را در تصمیم گیریهای سیاسی و اداری و اقتصادی جامعه تضمین کند. اگر در نظام پارلمانی اداره جامعه به تخصصی دور از دسترس شهروند عادی جامعه تبدیل میشود، در نظام شورایی همگان میتوانند انتخاب شوند و

## در حاشیه رویدادها

شهلا دانشفر



### معلمان خواهان آزادی فوری همکاران خود هستند

کردنهایشان هشدار داد. اما این سخنان با اعتراض معلمان روبرو شد. معلمان شعار میدادند: تا حق خود نگیریم آرام نمیشینیم. معلمان تاکید کردند که تا وقتی دو همکار آنها از زندان آزاد نشوند و تا وقتی به دیگر خواستهایشان پاسخی داده نشود دست از اعتراض و مبارزه بر نخواهند داشت و به تجمعاتشان ادامه خواهند داد. در ادامه این مبارزات روز ۲۹ تیر ماه دوباره ۴۰ نفر از معلمان در مقابل مجلس با دست داشتن پلاکاردهای قرمزی که روی آن نوشته شده بود که خواهان آزادی همکاران خود از زندان هستند، تجمع کردند و بر خواست خود پافشاری کردند. اعتراض معلمان همچنان ادامه دارد.

واقعیت اینست که مبارزه معلمان در چهارسال اخیر و اعتصابات سراسری و قدرتمند آنها طی این سالها جایگاه سیاسی مهمی در اعتراضات جاری در جامعه پیدا کرده است. از اینرو سرکوب اعتراضات معلمان و عقب راندن مبارزات سراسری آنان، بویژه در شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه بسر میبرد و اعتراض بخش های مختلف جامعه را فراگرفته است، برای جمهوری اسلامی ضرورتی فوری می یابد. در همین رابطه است که رژیم نه تنها در تن نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان در تهران دستگیر میکند، بلکه در شهرهای دیگر نیز معلمان مبارز و سرشناس مورد تهدید قرار داده است.

امروز جمهوری اسلامی در اوج استیصال دست به این تعرضات

معلمان بدنیاال اعتصاب سراسری خود در اردیبهشت ماه اعلام داشتند که به اعتراضات خود ادامه خواهند داد و تجمع بعدی آنها در ۱۴ مرداد ماه خواهد بود و اگر جمهوری اسلامی به خواستهایشان پاسخی ندهد کماکان اعتراضاتشان را ادامه خواهند داد. روز ۲۰ تیرماه بود که دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان بنام محمود بهشتی لنگرودی دبیر و علی اصغر ذاتی سخنگوی این کانون توسط نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شدند و به بازداشتگاه نامعلومی منتقل شدند. اما این حرکت جمهوری اسلامی با اعتراض فوری معلمان روبرو شد. روز بعد از دستگیری این دو نفر جمعی از معلمان جمع شدند و اعلام داشتند که اگر دو همکار آنها از زندان آزاد نشوند، در مقابل مجلس تجمع خواهند داشت. اما از سوی حاجی بابایی یکی از نمایندگان مجلس به آنها قول داده شد که خواستشان مورد پیگیری قرار خواهد گرفت. در ادامه این اعتراضات بود که روز ۲۸ تیر ماه دوباره ۱۰۰ نفر از نمایندگان کانون صنفی معلمان از شهرهای مختلف ایران در مقابل مجلس جمع شدند و خواهان آزادی محمود بهشتی و علی اصغر ذاتی شدند. در این روز دوباره حاجی بابایی نماینده همدان به میان معلمان آمد، برای آنان سخنرانی کرد و به آنها نسبت به عواقب جمع شدن آنها و تحصن

میزند و باید با اعتراض و مبارزه آنرا عقب راند. باید نه تنها نمایندگان معلمان بلکه همه معلمان در تمام شهرها با خواست آزادی معلمان دستگیر شده دست به تجمعات اعتراضی بزنند، قطعنامه و بیانیه بدهند، صدای اعتراض خود را به گوش جامعه برسانند و در سطح بین المللی منعکس کنند و حمایت وسیع داخلی و بین المللی را برای پیشبرد این خواست خود و دیگر خواستهایشان بدست آورند. خواستهای معلمان خواست افزایش حقوق، رفع تبعیض، انتخابی بودن مدیران مدارس، پایان دادن به فضای تفتیش عقاید در مدارس و حق مسکن، خواست همه مردم است. باید با تمام قوا از مبارزات و خواستهای معلمان حمایت کنیم. دستگیری معلمان و تعرض به تجمعات آنان باید با اعتراض گسترده و وسیع معلمان در سراسر ایران پاسخ گیرد. باید با اعتراض فشرده و متحد خود جمهوری اسلامی را عقب برانیم.

### پرستاران اولتیماتوم به اعتراضی سراسری و گسترده داده اند

در ۴ ماه اخیر مبارزه پرستاران در اعتراض به شرایط کاریشان و برای خواستها و مطالباتشان ابعاد گسترده تر و فشرده تری بخود گرفته است و ما هر روز شاهد تجمع کردنها و اولتیماتوم دادنهایشان هستیم. طی این مدت این مبارزات توانسته است توجه کل جامعه را بخود جلب کند و در صدر اخبار روزنامه ها و رسانه های دولتی انعکاس یابد. پرستاران به سطح پایین حقوقهایشان، به شرایط سخت کاریشان، به نداشتن تامین شغلی و اخراجشان تحت عنوان خصوصی

سازیها، به قراردادهای موقت کاری و عدم استخدام رسمی خود در کار و به شرایط برده وار کاری که به آنها تحمیل میشود معترضند. پرستاران اعلام کرده اند که دیگر حاضر نیستند تحت این شرایط به کار خود ادامه دهند. خواسته اند که کار آنها در زمره کارهای سخت و زیان آور محسوب شود. خواسته اند که حق تشکل و اجتماعات داشته باشند. خواسته اند که بتوانند از زندگی و تامین کافی برخوردار باشند. هم اکنون جنب و جوش در میان پرستاران برای پیگیری این مبارزات و خواستهایشان بالا گرفته و پرستاران اعلام کرده اند که در ۴ مرداد ماه دست به اعتراضی وسیع و گسترده خواهند زد.

پرستاران بخش محبوبی از جامعه هستند و تامین خواست های آنان و کاهش فشار کارشان مستقیماً در بالا رفتن استاندارد خدمات درمانی کل جامعه تاثیر میگذارد. با توجه به موقعیت اجتماعی پرستاران و با توجه به اوضاع سیاسی امروز که جامعه در التهاب مبارزه بسر میبرد، میتوان وسیعترین حمایت را به پشتیبانی از این مبارزات جلب کرد.

فشرده شدن هر روزه اعتراضات پرستاران، متشکل تر شدن آنها در این مبارزات و پافشاری و پیگیری آنها بر روی خواستهایشان بیانگر رادیکالیسم و روحیه بالای اعتراضی در میان آنان و گویای روحیه امروز مردم در اوضاع سیاسی کنونی در ایران است. در شرایطی که جمهوری اسلامی تعرض میکند، به جوانان حمله میبرد، زنان و دختران را به بهانه بدحجابی دستگیر و زندانی میکند، بر سر هر کوچه و گذری نیروی انتظامی مستقر کرده و میکوشد تا فضای رعب و وحشت را در جامعه دامن بزند، پرستاران تجمع میکنند، اعتراض میکنند و اولتیماتوم میدهند که اگر به

خواستهایشان پاسخی داده نشود در سطحی گسترده تر و وسیعتر دست به اعتراض خواهند زد. مبارزات پرستاران یک نمونه است.

### تخلیه مدارس و بی مدرسه شدن ۱۸ هزار دانش آموز

هفته پیش مردم فردیس کرج دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به تخلیه مدرسه ایشار در فردیس و بلا تکلیف شدن ۶۵۰ دانش آموز در این شهر دست به اعتراض زدند. رییس آموزش و پرورش شهرستانهای تهران با وقاحت تمام اعلام داشت که به ۳۶ مدرسه استیجاری در این منطقه حکم تخلیه داده شده و متعاقب آن ۱۸ هزار دانش آموز در تهران بی مدرسه میشوند. بی مدرسه شدن ۱۸ هزار دانش آموز بدون شک با اعتراض گسترده مردم روبرو خواهد شد.

باید به تدارک اعتراضی وسیع علیه این سیاست غیرمسئولانه و غیر انسانی جمهوری اسلامی شتافت و در مقابل آن ایستاد. چرا رژیم مساجد را تخلیه نمیکند و به مدرسه و محل تجمع و نیازهای مردم اختصاص نمیدهند؟ رژیمی که نمیتواند جوابگوی خواستهای عادلانه مردم باشد، رژیمی که در آن حتی مدارس را میندند و تخلیه میکنند و کودکان محروم و سرگردان باید در صف مدرسه بمانند، رژیم حاکم بر جامعه ای که درصد بالایی از مردم آن زیر خط فقر زندگی میکنند و از کوچکترین تأمین محرومند باید به زیر کشیده شود. حکومت منفور جمهوری اسلامی حکومت یک اقلیت انگل و مفتخوار است، باید با گسترش مبارزاتمان شرایط را برای به زیر کشیدن این رژیم ضدبشری آماده کنیم. \*

جمهوری سوسیالیستی حکومتی است متکی بر شوراهای و برای متحقق کردن حکم آزادی و برابری انسانها!

امروز برای تضمین حکم مردم باید به گرد پرچم حزب کمونیست کارگری گرد آمد. این تنها راه ممکن است. \*

از اشکال حکومت طبقات داراست. نافی آزادی همه جانبه است. آزادی و برابری واقعی رهایی کامل انسان است. یک خلاصی کامل است. سیاسی و اقتصادی و اجتماعی. تنها یک جامعه و نظام سوسیالیستی میتواند متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان باشد.

و محرومیت و جهل و ستم و فقر و فلاکت نداشت. آزادی واقعی تنها حاصل دگرگونی سوسیالیستی جامعه و خروج انسان از این دوران توحش سرمایه داری و توحش طبقاتی است. آزادی و برابری امر و موضوع کار سرمایه و دموکراسی نیست. دموکراسی و پارلمان شکلی

مردم و اراده آنان اساس است.

بطور خلاصه باید گفت که مفهوم آزادی و برابری تجزیه پذیر نیست. نمیتوان جامعه ای داشت که عده ای مزد بده و عده ای مزد بگیر باشند و در عین حال جامعه ای آزاد و برابر داشت. نمیتوان طبقات فرودست و فرادست داشت و نابرابری

همگان میتواند انتخاب کنند و هر زمان که انتخاب کنندگان اراده کنند میتوانند انتخاب شوندگان را عزل کنند و تغییر دهند. در نظام شورایی مردم دائماً و هر لحظه حکومت میکنند. در نظام شورایی تصمیم

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!